

درهم شکستن افسانه شکست ناپذیری صهیونیستها
شکست مفتضحانه اسرائیل در بلعیدن "مارسمی"



زنده باد دلاوری خلق فلسطین
چه کسی خواهد من و تو ما نشویم، خانه اش ویران باد

اطلاعیه حزب کارایران (توفان)
بمباران نوار غزه و کشتار بربر منشانه آوارگان فلسطینی جنایت علیه بشریت است
و آن راقویا محکوم میکنیم

(سخن هفته)
درحاشیه تجمع اعتراضی در تهران درهمبستگی با مردم فلسطین

گزارشی از اعتراضات جهانی علیه رژیم صهیونیستی

پایان اعتصاب غذای رضاشهابی

نقش آگاهی و روحیه سندیکانی

مقاله ای از حزب کمونیست مارکسیست لنینیست انقلابی و نزنولا

اعلام سیاستهای جدید جبهه مردمی تونس

(گلچینی از فیسبوک)

یاد داشتهای کوتاه سیاسی

اطلاعیه شماره ۳ حزب کارایران (توفان)

شکست مفتضحانه اسرائیل در بلعیدن "مارسمی"

درهم شکستن افسانه شکست ناپذیری صهیونیستها



۱ - کسانی که با تاریخ پیدایش فاشیستی رژیم صهیونیستی آشنایی دارند می دانند که حمله اخیر اسرائیل و بمباران غزه تصادفی نبوده و ربطی هم به موشک پرانی حماس و سازمان برای آزادی فلسطین (یاران جرج حبش ...) نداشته است. صهیونیستها از آغاز تاسیس نامیمون دولت نژاد پرست اسرائیل آهنگ آن داشتند تا تمام سرزمین فلسطین را درسته ببلعند و به بسط و گسترش آن و نیل به اسرائیل بزرگ بپردازند. مطابق اسناد موجود "لوی اشکول" نخست وزیر اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ درباره غزه چنین بیان داشته بود: "غزه مسئله است. من در سال ۱۹۵۶ آنجا بودم و مارهای سمی را که در خیابان راه میرفتند، دیده ام. ما باید بخشی از آن ها را در شبه جزیره سینا اسکان دهیم و امیدواریم بخش دیگری هم مهاجرت بکنند".

بیانات فاشیستی نخست وزیر اسرائیل در روزهای اخیر مبنی بر "غزه باید درهم کوبیده شود تا صلح و آرامش برقرار گردد" همه نشان روشن از این امر است که صهیونیستها هدفشان محو و نابودی همه فلسطینیها و بلعیدن تمامی سرزمین فلسطین است و جنگ تبلیغاتی در مورد قتل سه کودک یهودی که سازمان حماس نیز هیچگاه مسئولیت آن را به عهده نگرفته فقط یک بهانه بوده برای از سرگیری بمباران و ادامه کشتار مردم غزه و برهم زدن وحدت ملی احزاب و سازمانهای فلسطینی.

اما مقاومت قهرمانانه ملت فلسطین برای موجودیت خود نیز تحسین برانگیز است و هر بار این هیولای هشت سر را با شکست مواجه می سازد. آنها که با اشاره به موشک پرانی جنبش مقاومت فلسطین ایراد میگیرند و آن را دلیل بر هجوم وحشیانه به فلسطین و بمباران غزه تحلیل میکنند یا نادانند و یا آگاهانه همان جفنگیات رسانه های صهیونیستی و امپریالیستی را نشخوار میکنند. این عده هنوز نفهمیده اند و یا خود را به نفهمی می زنند و در مورد مقاومت ملت فلسطین فقط به سازمان حماس که یکی از دهها سازمان و جبهه مقاومت فلسطین علیه اسرائیل است اشاره میکنند تا با قوت بخشیدن به استدلال خود به نفی مقاومت ملت فلسطین بپردازند. حزب ما بارها کوشید تا به مناسبتهای مختلف دست به ترجمه هایی از مطالب سیاسی و ادبیات سازمان برای آزادی فلسطین (جرج حبش) بزند و به افشای نیروهای ارتجاعی بپردازد که بی توجه به واقعیات سیاسی سرزمین فلسطین و خیانت و ندانم کاری بر طبل جنگ داخلی و نابودی سازمان حماس می کوبند و عملاً به آلت دست صهیونیستهای آدمخوار تبدیل شده اند. سازمان برای آزادی فلسطین (جرج حبش)، بخشهایی از سازمان آزادیبخش فلسطین (نیروهای ملی و سکولار) و بخشهایی از سازمان الفتح در این نبرد شرکت دارند و در کنار هم علیه اسرائیل میروزمند. سازمان برای آزادی فلسطین (یاران جرج حبش) کمتر از حماس موشک به قلب دشمن خونخوار و بیرحم و متجاوز پرتاب نکرده و نمی کند و آن را حق طبیعی و مشروع ملت فلسطین در دفاع از خود می داند. همین امر مقاومت و یگانگی نبرد واحد ملت فلسطین سبب گشته و میگردد تا صهیونیستها بیشترین احساس خطر کنند و بر عملیات مایوسانه و جنون آمیز خود بیافزایند. اما فرجام این بمبارانهای بربرمنشانه جز شکست نیست.

۲- در نوار غزه، افسانه شکست ناپذیری صهیونیستها را متلاشی می کند و روحیه نوبنی از مقاومت و سلحشوری در میان مردم فلسطین ایجاد می گرداند. طبق اطلاعیه مطبوعاتی گردان عز الدین قسام (شاخه نظامی سازمان حماس) امروز یکشنبه ۲۰ جولای، ۱۴ تن از سربازان متجاوز صهیونیست را به قتل رسانده و موفق به پایگاههای خود بازگشتند.

دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین نیز طبق اطلاعیه ای مورخ ۱۹ جولای اعلام داشت: تصمیم دشمن مبنی بر حمله زمینی به غزه و با قصد شکست...تن اراده مقاومت و همچنین کوشش در جهت به تسلیم واداشتن ملت ما در فلسطین، باعث خواهد شد که دشمن بهای بسیار سنگینی بپردازد، زیرا ملت ما و گروههای مختلف مقاومت آن با تمام امکانات و وسائل موجود راه پیشروی بر دشمن را خواهد بست، و به دشمن صهیونیستی ثابت خواهد نمود که اراده ملت فلسطین شکست نا پذیر خواهد بود. دکتر طاهر در یک بیانیه مطبوعاتی تاکید ورزید و تاکید ورزید:

" استفاده از گازهای سمی از طرف صهیونیستهای جنایتکار، کشتن کودکان و زنان، تخریب خانه ها و منازل شهروندان بی دفاع بر سر آنها، تنها باعث آن خواهد شد تا ما در مبارزه و مقاومت اسطوره ای خود اصرار بیشتری بورزیم، اسطوره هایی که ملت ما با با خون و گوشت فرزندان خود آنرا رقم میزنند، هر انکس که فکر کند میتواند بردگی و تسلیم را بر فرزندان ملت فلسطین تحمیل کند در توهم

بسر میبرد اما این دکتر طاهر سپس اینچنین ادامه داد که هدف اساسی از تجاوز هوایی، دریائی و زمینی، همانا خلع سلاح کردن مقاومت است، اما این هدف بسیار بسیار بعید و دست نیافتنی است، و رهبران دشمن در تل او یو درک خواهند کرد که هر چقدر بر قربانیان افزوده شود، آنان به این هدفشان نخواهند رسید، و شعار ما چنین خواهد بود: یا شهادت و یا پیروزی"

مبارزه مردم فلسطین حمایت جهانی خلقهای جهان را بدنبال دارد. اعتراضات جهانی گسترده آنها در شرایط بحران مالی سرمایه داری ناجی صهیونیستها و امپریالیستها نخواهد بود، بر عکس مبارزه توده های مردم و طبقه کارگر را تشدید می کند. فضا را برای نفوذ نیروهائی که خواستهای مردم و آمال ملت فلسطین را بیان می کنند، خواستار وحدت و یگانگی ملی برای امرنبرد علیه دشمن متجاوز هستند باز می گرداند.

حزب کار ایران (توفان) تجاوز صهیونیستها جنایتکار فاشیست به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین را محکوم می کند.
حزب کار ایران (توفان) این جنایت را ضد بشری دانسته و معتقد است مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی بین المللی به محاکمه کشید.

حزب کار ایران (توفان) از مبارزه انقلابی مردم فلسطین و آمال آنها برای اخراج اشغالگران صهیونیست حمایت می کند.
حزب کار ایران (توفان) از هر جنبش مقاومت یهودیان اسرائیلی بر ضد صهیونیستها و امپریالیستها حمایت می کند و آنرا شرط ایجاد فضائی بدور از سوء ظن برای یک زندگی مسالمت آمیز میان همه مردمان سرزمین فلسطین، مستقل از مذهب، بدور از تجاوز طلبی، نژادپرستی می بیند. زمانیکه مردم خود سخنگو شوند سخنان یکدیگر را خواهند فهمید.

قطع فوری محاصره و بمباران وحشیانه نوار غزه !
زنده باد مبارزه ملت فلسطین برای رهایی ملی!
نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل این چماق دست امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه!
زنده باد همبستگی بین المللی با ملت فلسطین!

حزب کار ایران (توفان)

یکشنبه بیستم جولای ۲۰۱۴

زنده باد دلاوری خلق فلسطین

چه کسی خواهد من و تو ما نشویم، خانه اش ویران باد

بعد از هفته ها بمباران محله های مسکونی، خانه های محقر مردم در نوار غزه از راه دور، کشتار فلسطینی ها در خواب و بیداری... رژیم صهیونیستی اسرائیل، در روز هشتم ژوئیه سال جاری میلادی، حتما با چراغ سبز ناتوچی ها، با موافقت امپریالیسم آمریکا و شرکاء، بر آن شد تا سرزمین غزه اشغالی را دوباره « اشغال کند »! این جنایت آشکار، نقض موازین شناخته شده بین المللی، قطعنامه های تا کنونی سازمان ملل... برای سیاست بازان حرفه ای غرب – اوباش « منتخب »! اوباما و مرکل و کامرون و اولاند... اصلا غریب نیست. بزعم حضرات، گویا دولت تقلبی و اشغالگر اسرائیل از « امنیت خود دفاع می کند »! بگذریم از اینکه اسرائیل تنها کشور بدون مرز دنیاست. امنیت صهیونیسم حدود و ثغور ندارد...

دوراندن غرب در خاورمیانه

همین چند سال پیش بود که اسرائیل عنان از کف داد... قوای کمکی فرستاد و نوار غزه را برای چندمین مرتبه « فتح کرد »! همزمان، بهانه تراشید و به لبنان لشکر کشید... اهالی این مرز و بوم را هم، از زمین و هوا و دریا، بزر آتش گرفت. ولی غربی ها، آمریکا و اروپا، انگار نه انگار، هیچ بروی مبارک نیاوردند. اوباش « متمدن »! سکوت کردند. دنیای « آزاد »! خفقان مرگ گرفت. موی دماغ اسرائیل نشدند...

مثل اینکه ناتو چی ها، حامیان پشت پرده فاشیسم و نازیسم در دوره های منقضی، دلاوری خلق فلسطین، مقاومت جانانه مردم لبنان را انتظار نداشتند... تا اینکه کار بیخ پیدا کرد. اسرائیل در لبنان گیر کرد – که قیامت شد. از این پس بود که صدای راهزنان قدیمی و جدید در آمد. نجات اشغالگر را در دستور کار قرار دادند. جورج بوش صغیر، تونی بلر و... طبق معمول و پیشرفته از اقدامات « دفاعی » اسرائیل در قبال « مسلمانان » شورش حمایت کردند. شیراک و شرکاء، آلمان و هلند و بلژیک و دانمارک... بیای توجیه لشکرکشی رژیم صهیونیستی اسرائیل رفتند. بیخود نبود که ارتش مفسران سفارشی فعال شد تا هماهنگ با نیاز فوری کارتل های آمریکائی و اروپائی حقایق را دستکاری کند، موهم بخورد افکار عمومی بدهد

قوم « برگزیده »! زیر سایه قیم تروریست

خبر فروشان و نظر چپانان باختری، تحریف کنندگان حرفه ای تاریخ، دیروز مثل امروز، مدعی شدند که اسرائیل بخاطر نجات دمکراسی بود که با انواع سلاح های پیشرفته آمریکائی و اروپائی بجان همسایه های « نا اهل »! بفکر سلاخی آشکار عناصر «

ناباب! در خاورمیانه افتاد. نوعی «مسلمان» کشی در فلسطین و لبنان براه انداخت. گوشمالی «حماس»! در فلسطین بی در و پیکر، خلع سلاح «حزب الله»! در کشور مستقل لبنان را در دستور کار گذاشت. ولی به یمن گواهی شاهدان عینی، اعتراضات پی در پی هواداران صلح و آزادی در سطح بین المللی حقایق برملا شد. معلوم شد که «قوم و قیم» در سنگر واحدی شمشیر می زنند...

خیالات «نا واردان»!

اینکه امپریالیسم آمریکا در این «مسلمان» کشی تهور آور دست نداشت، اروپا با نقشه شوم اسرائیل آشنا نبود و «غافلگیر شد»! حرف مفتی است ناشی از دریافتی احمقانه یا ریاکارانه از رویدادهای جاری در خاورمیانه. دلائل و شواهد زنده ای وجود دارد مبنی بر اینکه طرح گوشمالی خلق فلسطین بنام «حماس»! در فردای انتخابات پارلمانی ۲۵ ژانویه سال ۲۰۰۶ میلادی در فلسطین ریخته شد. نقشه خلع سلاح «حزب الله لبنان»! یعنی بیش از یک سوم جمعیت لبنان، مهمترین جزء قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل بود. این طرح ها و نقشه های امپریالیستی، رنگ و لعاب آمریکائی و اروپائی دارند - با بوی گند ناتو.

مشکلات عدیده «اتحادیه بین المللی»! مشکلات فزاینده ناتوچی ها، مالی و تجاری و صنعتی در اوضاع و احوال جاری، نسبه خوری امپریالیسم آمریکا در دوران معاصر که برکسی پوشیده نیست. دیری است که سرمایه داری، خاصه نوع غربی آن، با کاهش مواد خام و انرژی، درد بی درمان تنزل نرخ سود و انباشت سرمایه روبروست. پیشرفت دیگران، بیداری آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی، برآمد نسبتا نیرومند چین و هند و روسیه و برزیل و مکزیک و... را بر نمی تابد. کنترل انحصاری بر منافع نفت و گاز خاورمیانه، تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز را خواب می بیند. خیال بازگشت به دوران استعمار کهن را در سر دارد. خواهان حکام «اهلی»! چاکران مطیع در خاورمیانه است.

همین رجاله ها، ناتوچی ها، دول تروریستی غرب بودند که ماهها پیش از ماجراجوئی اسرائیل تمام راههای ارتباطی با فلسطین را بستند. جلوی فعالیت ارگانهای منتخب اهالی در این سرزمین را گرفتند. ارسال مواد مصرفی لازم برای مردم... آب و غذا و دوا برای بچه های فلسطینی را اجازه نمی دادند... از پیش برای خلق فلسطین جواز دفن صادر کردند. برای بلعیدن لبنان نقشه داشتند. بخاطر اشغال سوریه کلی تدارک دیده بودند.

اشغالگری صیهونیسم در خاورمیانه

بیش از ۶۰ سال از اشغال و تاراندن میلیونها فلسطینی از سرزمین آب و اجدادیشان میگذرد. در ادامه این اشغالگری اسرائیل در سال ۱۹۴۷ میلادی رژیم صیهونیستی اسرائیل، گویا بدون اطلاع ناتوچی ها، صلاحدید امپریالیسم آمریکا... سیاست غنیمت گیری جدیدی در پیش گرفت. با جنگ شش روزه در قبال مصر و سوریه و اردن - نوار غزه، کرانه های رود اردن، صحرای سینا، بلندیهای جولان و شرق بیت المقدس را اشغال کرد و بعد از ترک مخاصمه هم، برخلاف رای شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر لزوم تخلیه فوری سرزمین های اشغالی، موضوع قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، حاضر نشد غنائم را پس بدهد:

الف) مصر بسال ۱۹۷۰ میلادی، بدیا خوب، خرج خود را از امپراتوری شوروی بکلی جدا کرد. در مدار امپریالیسم آمریکا و در پناه ناتو بود که با اسرائیل کنار آمد و صحرای سینا را جایزه گرفت. چندی بعد پادشاهی اردن هم براه مشابهی رفت و آرام گرفت. ولی دولت بعثی سوریه، چون پوشش حفاظتی خود را عوض نکرد... موفق نشد که بلندی های جولان را از اسرائیل پس بگیرد و نگرفت. حال آنکه سازمان ملل این اشغال را مردود شناخته... متن اسناد رسمی خود را عوض نکرده و هنوز هم بلندی های اشغالی جولان را قسمتی از خاک سوریه می داند.

ب) بموجب قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل، مصوب ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۴۷ میلادی، مبنی بر تقسیم سرزمین واحد فلسطین میان دو دولت مستقل، می بایست دولت ملی فلسطین نیز در تاریخ اول اکتبر سال ۱۹۴۸ میلادی در جغرافیای نوار غزه و کرانه های رود اردن و شرق بیت المقدس تاسیس می شد، که نشد. اسرائیل با اشغال نوار غزه و کرانه های رود اردن و شرق بیت المقدس بسال ۱۹۴۷ میلادی، گویا «خودسرانه»! این قطعنامه سازمان ملل را به هیچ گرفت و حق شناخته شده خلق فلسطین را باطل و تاسیس دولت ملی فلسطین را اجازه نداد.

فتح دوباره نوار غزه، لشگرکشی مجدد به لبنان

گفتیم که اسرائیل نوار غزه را دوباره «فتح کرد»! در این ماجراجوئی تکراری و تهوع آور، اسرائیل روزهای متوالی تمام مناطق مسکونی در نوار غزه را بمباران کرد. تعداد زیادی از مردم، زن و مرد، پیر و جوان، بچه های قد و نیم قد را بخاک انداخت. انبوهی از فلسطینی ها را زنده زنده، در زیر خروارها خاک و سنگ و چوب و آجر و آهن مدفون و مابقی را هم در سرزمین خودشان، باسارت گرفت. تاسیسات برق و منبع آب آشامیدنی اهالی را از میان برد. مراکز درمانی و امدادی و آموزشی را بکلی از کار انداخت. ارگان های مسئول را درهم کوبید. شماری از دولتمردان منتخب مردم را ربوده و آنان را، بخاطر تنبیه خلق فلسطین، در محلی نا معلوم زندانی کرد. در یک کلام، فلسطین را، بیش از پیش، ویران کرد... فلسطینی ها را بجرم استقلال خواهی، برای چندمین بار بخاک و خون کشید...

به لبنان لشگر کشید... بدون لحظه ای توقف در کشتار مستمر فلسطینی ها، همزمان اهالی لبنان را هم، از زمین و هوا و دریا، بزیر آتش گرفت. تا چند هفته متوالی مناطق مسکونی لبنان را درهم کوبید، منازل مردم را ویران و انبوهی را زنده بگور کرد، صدها هزار نفر را آواره ساخت، پلها و جاده ها را از میان برد. منابع برق و آب آشامیدنی... تنها کارخانه مواد لبنی لبنان، مزارع زیر کشت و کارگاههای محصولات مصرفی، مغازه و بقالیهای خرده فروشی، فرستنده رادیو و تلویزیون لبنان، مدارس و بیمارستان ها، مراکز امدادی و اداری، بناهای قدیمی و جدید دولتی، تمام وسائل لازم زندگی روزمره مردم لبنان را بکلی نابود کرد.

مجری استراتژی ناتو در خاورمیانه

بزعم محافل پر نخوت غربی، ناتوچی ها، گویا رژیم صهیونیستی اسرائیل در این «جنگ»! فقط تا حدودی زیاده روی کرد. با کشاندن «جنگ»! به سرزمین لبنان مرتکب «خطا شد»! گویا اسرائیل، درست مثل ماجراجویی امپریالیسم آمریکا و شرکاء در یوگسلاوی و افغانستان و عراق، خاور میانه را در مسیری «نا معلوم»! کوید و صاف کرد. می گویند «جنگ»! ولی فلان فلان شده ها، کدام «جنگ»؟! سخن برسر قتل عام فلسطینی ها در خواب و بیداری، کشتار بچه های ده دوازده ساله است. برسر بمباران یکماهه لبنان از ارتفاع چند صد کیلومتری، انهدام وسائل زیست جمعی یک خلق، نابودی ابزار کار و معیشت یک ملت، خلقی غیر نظامی، ملتی فاقد امکانات لازم دفاعی، با توپ و تانک انگلیسی و آلمانی، با فانتوم آمریکائی و میراژ فرانسوی است... این که جنگ نیست. یک آدم کشی با برنامه بسیاق نازی ها، نوعی قتل عامی حساب شده، یک جنایت آشکار و سازمان یافته است. قرائن نشان می دهد که پای استراتژی ناتو در میان بود. همان استراتژی که در یوگسلاوی و افغانستان پیاده شد، توسط امپریالیسم آمریکا و شرکاء در عراق به اجرا درآمده بود.

اصل و نسب سازمان تروریستی ناتو

ناتو یا همان سازمان پیمان اتلانتیک شمالی، یک اتحادیه نظامی فراملی است که بسال ۱۹۴۹ میلادی با فرماندهی امپریالیسم آمریکا - برای درهم کوبیدن دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، اختناق جنبش کارگری در کشورهای خودی و نابودی جنبش های استقلال طلبانه خلق ها و ملت ها در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آمد. اما این اتحادیه نظامی فراملی، تروریستی و مخرب، بکجا وصل است؟ به محافل غربی، منابع مالی آمریکائی و انگلیسی و آلمانی و فرانسوی و هلندی و بلژیکی... به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، به نفتی ها، سوداگران مرگ و نیستی، سازندگان و فروشندگان آمریکائی و اروپائی انواع سلاح های کشتار جمعی... اینها هستند که افسار سازمان تروریستی ناتو، افسار دولت تقلبی اسرائیل را در دست داشته و دارند. بنام نوعی «آزادی»! خلق ها را درهم می کوبند. نوعی «دمکراسی»! ملت ها را بخاک و خون می کشند. به تناسب نیاز فوری انحصارات خودی طرح می ریزند. براساس منافع استراتژیک محافل مالی و صنعتی، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات... نقشه می کشند. در باره مسائل کلیدی حرف آخر را می زنند. ملت قهرمان فلسطین درچنین شرایط بغرنج جهانی به پیکارش برای کسب استقلال ملی ادامه میدهد. موضع گیری های سیاسی چپ اندر قیچی نه سیخ بسوزد نه کباب»، نه به دوطرف درگیر جنگ!! یکجبهه گیری سیاسی ارتجاعی و ترسکیستی است. کسی که ریگی درکفش ندارد باید بطور روشن و شفاف وبدون اما و اگر، متجاوز جنگ طلب فاشیست را محکوم کند و از قربانی به دفاع برخیزد. مبارزه قربانی که خلق تحت ستم و اشغال فلسطین است با هر ابزار و وسیله ای مبارزه ای مشروع و دفاع ازخود است، صرف نظر از اینکه ظاهری سکولار، مذهبی و یا سوسیالیستی داشته باشد. به این دوردانه غرب باید پاسخ دندان شکنی داد.

اطلاعیه شماره ۱ حزب کارایران (توفان)

بمباران نوار غزه و کشتار بربر منشانه آوارگان فلسطینی جنایت علیه بشریت است و آن راقویا محکوم میکنیم



اخیرا دولت صهیونیستی اسرائیل مدعی شده که در منطقه اشغالی خودش سه دانش آموز اسرائیلی ربوده شده اند و به این بهانه حکومت نظامی برقرار کرده، به خانه گردی غیر انسانی مشغول شده و صدها فلسطینی را دستگیر کرده و به هر اقدام ضد انسانی و غیر قانونی دست می زند. رسانه های گروهی در جهان در مورد ماهیت ادعای رژیم صهیونیستی سکوت اختیار کرده اند.

بمبارانهای بربر منشانه و فاشیستی نوار غزه در چند روز اخیر ادامه کشتار و تجاوزیست که بیش از ۶۰ سال ادامه دارد. این آدمکشی اسرائیل باردیگر نشان میدهد که وی هرگز هوادار حقا دولت کوچک مستقل فلسطینی نیست و در پی آن است که همه سرزمین فلسطین را درسته ببلعد. مردم را کشتار کند، بی خانمان نماید، بتاراند، تبعید کند و باقیمانده را در جامعه یهودی حل نماید. این ایدئولوژی دولت

اسرائیل است، ایدئولوژی صهیونیستی، نژاد پرستانه و فاشیستی که راهنمای عمل اوست. تعرض گسترده اخیر – توسط هواپیماهای شکاری، بمب افکنها و توپخانه سنگین – تا بحال قریب به ۲۰ کشته و صدها تن از مردم غزه را مجروح کرده است. آدمکشان و تروریستهای صهیونیست – بکلی بی اعتنا نسبت به اعتراضات خفهای عرب و خشم مردم در سراسر جهان – غزه را بمباران میکنند. صهیونیستها، از سوئی کودکان را به قتل میرسانند، آگاهانه زیر بنای حیاتی مردم، پمپ آب و کارخانه برق و بیمارستان و مدرسه و مناطق مقدس مردم که پناگاه آنهاست را بمب باران، ویران میکنند، احساسات انسانی میلیونها نفر را مورد تمسخر قرار میدهند، تروریسم دولتی بکار میبرند و از طرف دیگر – بیشرمانه – مدعی اند که گویا «مشغول مبارزه بر علیه تروریسم هستند»! و یا برای حفظ «ارزشهای دنیای متمدن میجنگند!!» زهی بیشرمی!

حزب کار ایران(توفان) تجاوز صهیونیستها و امپریالیستها را به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین را محکوم می کند و این جنایت را ضد بشری دانسته و معتقد است مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی جهانی به محاکمه کشید.

حزب کار ایران(توفان) از اعتراضات نیروهای مترقی جهان علیه بمباران مردم فلسطین حمایت میکند و همگان را فرامیخواند حملات افسارگسیخته و ضد بشری صهیونیستها را محکوم و از مبارزه ملت فلسطین برای رهایی ملی دفاع و ابراز همبستگی نمایند.

**نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل این چماق دست امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه!
زنده باد همبستگی بین المللی با ملت فلسطین!**

حزب کار ایران(توفان)

سه شنبه ۱۷ تیر ۱۳۹۳ / ژوئیه ۲۰۱۴

www.toufan.org

تجمع اعتراضی در تهران در همبستگی با مردم فلسطین و محکومیت رژیم اشغالگر و آپارتاید اسرائیل (سخن هفته)



موج جدید حملات اسرائیل به نوار غزه تحت حمایت ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و متحدینش، در ۱۲ ژوئن آغاز شد. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر جنایتکار اسرائیل، گفت که به بمباران مستمر غزه ادامه خواهد. در اعتراض به جنایت بربرمنشانه در سراسر جهان پرچم همبستگی با خلق فلسطین برافراشته شد.

در ایران ما نیز طبق گزارشی از تهران روز جمعه ۲۷ تیر ماه ۹۳؛ قریب به هشتاد تن از فعالان اجتماعی از طیفهای مختلف، با حضور در برابر دفتر سازمان ملل به ادامه کشتار بربرمنشانه مردم در نوار غزه دست به اعتراض زدند. این تجمع که با حمل شعارها و پلاکاردهایی در دفاع از ملت فلسطین و محکومیت رژیم تروریستی و آپارتاید اسرائیل همراه بود، از ساعت ۱۲ ظهر در برابر دفتر سازمان ملل شروع شده و حدود یک ساعت طول کشید. شرکت کنندگان در این تجمع بدون سر دادن شعار، تنها با ایستادن و در دست داشتن پلاکارد به حمایت از مردم غزه پرداخته و ادامه اشغال و کشتار مردم در فلسطین را محکوم کردند.

قابل ذکر است که ماموران امنیتی از شرکت کنندگان خواستند که پس از یک ساعت محل تظاهرات را ترک کنند. در جریان این تجمع، هیچ مقامی از دفتر سازمان ملل در میان معترضان حاضر نشد.

تظاهرات تهران در همبستگی با مردم فلسطین نوید بخش است و از این بابت حائز اهمیت می باشد که سالهاست رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی انحصار "دفاع از ملت فلسطین" را در دست نابکار خویش گرفته و به هیچ نیروی اجتماعی اجازه عرض اندام مستقل در این رابطه را نداده است. وی از حضور چند صد هزار نفری مردم ایران در صحنه و در دفاع از ملت فلسطین می هراسد. از این وحشت دارد که مبادا شعاری در دفاع از کارگران و زحمتکشان ایران، آزادی زندانیان سیاسی، برابری زن و مرد و آزادی بیان و قلم طرح گردد و خارج از کنترل او بر فرق سرش فرود آید.

رژیم جمهوری اسلامی در مقابل شعار "مردم چرا نشستید ایران شده فلسطین! بسیار حساس بوده و هیچ حرکت اعتراضی مستقلی را تاکنون بر نتابیده است. رژیمی که خود با مردمش چون قوای اشغالگر صهیونیستی برخورد کرده و میکند، منتقدین اجتماعی، کارگران شریف ایران، آزادیخواهان و نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی را به زندان می افکند و تحت شکنجه های وحشیانه قرار داده و به قتل میرساند نمی تواند در عمل مدافع حقوق ملت فلسطین باشد. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با اعمال و رفتار ضد انسانی اش متأسفانه بخشی از مردم ایران را به طرف نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی سوق داده و علل نفوذ شعار اسرائیلی "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران!" در تظاهرات سال ۱۳۸۸ را نیز باید ناشی از همین عملکرد ضد انسانی و سرکوبگرانه دستار بندان حاکم اسلامی دانست که نفوذ دشمنان خارجی در ایران را موجب گشته است. حال تظاهرات دیروز تهران علیرغم کمیت ضعیفش که بر علیه کشتار مردم غزه و در همبستگی با خلق فلسطین انجام گرفته است را باید گام مثبتی به جلو شمرد و تلاش نمود قدم به قدم ابتکار عمل سیاسی دفاع از حقوق مردم فلسطین و خلقهای تحت ستم جهان را در دست گرفت و رژیم جمهوری اسلامی را که بدروغ خود را حامی مردم جهان جا میزند را خلع سلاح نمود. حزب ما همانطور که بارها تحلیل کرده است مبارزه برای تحقق حقوق متنوع دموکراتیک در ایران را در پیوند با مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و دشمنان خارجی قرار می بینند و بر آن پای میفشارد. چنین سیاست خردمندانه ای هم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را خلع سلاح میکند و هم نیروهای اجنبی پرست اپوزیسیون ایرانی را که برای پاره پاره کردن میهن ما خواب های شومی دیده اند. تنها با چنین سیاستی است که میتوان توطئه های دشمنان رنگارنگ مردم ایران را خنثی ساخت.

زنده باد همبستگی با خلق فلسطین!
نابود باد رژیمی صهیونیستی اسرائیل!
توفان

سخن هفته
شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۹۳

تظاهراتی اعتراضی بر علیه رژیم صهیونیستی و جنایتکار اسرائیل در سراسر جهان



تظاهرات دهها هزار نفر در نیویورک علیه رژیم متجاوز اسرائیل و در همبستگی با مردم فلسطین



People of Occupy Wall Street gather in New York in protest of Israel.

اعتراضات در شهرهای سوئد



طبق گزارش رسیده از رفقای حزب کار ایران (توفان) در سوئد در روزها اخیر، چندین تظاهرات در شهرهای استکهلم، گوتنبرگ، مالمو، کارلسکرونا، اوپسالا و.... در دفاع از خلق فلسطین و محکومیت رژیم متجاوز اسرائیل برگزار شده است. شرکت کنندگان در تظاهرات خواهان بایکوت همه جانبه اسرائیل گردیدند. ! برگزار کنندگان این تظاهرات شامل انجمنهای دوستی فلسطینی و سوئدی، شبکه های ضد جنگ و شخصیتهای شناخته شده سوئدی بوده است. حزب کمونیست سوئد مارکسیست لنینیست و سازمان جوانان او "آر کو او" در رهبری این تجمعات نقش فعالی ایفا کرده اند. رفقای حزب ما نیز با شرکت در تظاهرات چند هزار نفری استکهلم همبستگی خود را با مردم تحت ستم فلسطین ابراز داشته اند. این تظاهراتی اعتراضی در هفته های آتی نیز ادامه خواهد داشت.

زنده باد همبستگی با خلق فلسطین!
نابود باد رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل!

تظاهرات در شیلی بر علیه متجاوزین فاشیست اسرائیلی



طبق گزارش حزب برادر، حزب کمونیست شیلی (آکسیون پرولتاریایی) چندین تظاهرات موفق در سانتیاگو بر علیه بمباران غزه صورت گرفت و رهبران حزب ضمن سخنرانی‌هایی در محکومیت رژیم متجاوز اسرائیل از دولت شیلی خواستار تحریم اسرائیل و قطع رابطه با جنایتکاران تلاویو شدند.

فیلم این تظاهرات را می‌توانید با بازکردن لینک مشاهده کنید:

<https://www.youtube.com/watch?v=0IRAmse9yws>

زنده باد همبستگی با خلق فلسطین!

نابود باد رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل!

آن‌گاه که اسرائیلی‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی مدعی دفاع از خود می‌شوند، در این معنا است که هر اشغالگر نظامی باید از خود در برابر مردمی که به اصطلاح بر آنها پیروز شده، دفاع کند. شما نمی‌توانید از خود دفاع کنید، وقتی که به زور سرزمین دیگری را اشغال کرده‌اید. این دفاع از خود نیست. هرچه دوست دارید آن را بنامید، اما دفاع از خود نیست."



ننگ و نفرت بر حامیان رژیم بربرمنش و صهیونیست اسرائیل!

تظاهرات اعتراضی در چند شهرت آلمان بر علیه بمباران بربرمکنشانه غزه و محکومیت رژیم صهیونیستی اسرائیل.



طبق گزارش دریافتی از رفقای حزب در آلمان امروز شنبه ۱۲ جولای تظاهرات اعتراضی علیه کشتار مردم فلسطین در غزه در فرانکفورت آلمان برگزار گردید.

جمعیتی بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر در این تظاهرات که بدون برنامه ریزی برگزار شده بود شرکت کردند و با مردم فلسطین ابراز همبستگی نمودند. در پایان این تظاهرات عده معدودی با پلیس درگیر شدند، اما کسی دستگیر نشد. در این تظاهرات رفقای حزب کار ایران (توفان) نیز شرکت داشتند و با مردم درد کشیده فلسطین ابراز همبستگی نمودند.

روز جمعه ۱۸ جولای تظاهراتی در شهر کلن از طرف نیروهای سیاسی آلمانی و خارجی در حمایت از مردم تحت فراخوانی بدین مضمون برگزار گردید و با موفقیت به پایان رسید:

در هفته های اخیر حملات ارتش اسرائیل به شهروندان غیر نظامی فلسطین شدت یافته است. در حالیکه مردم در «نوار غزه» - که از سوی جهان ایزوله شده است - زیر زجر بمباران هستند و قربانیان بسیاری داده اند، اسرائیل در ناحیه «هبرون» منع تردد اعلام کرده است و در پی تفتیش خانه ها، تعدادی را مجروح و کشته است. در جریان تفتیش اماکن، ۴۵۰ نفر، از جمله نمایندگان و فعالان مقاومت مدنی، بازداشت شده اند. ما این خشونتها را مرتبط به بی ثبات کردن کل «خاور نزدیک» می بینیم و بدین جهت خواستاریم که:

- «توقف فوری تهاجمات نظامی از سوی ارتش اسرائیل و آزاد سازی همه زندانیان سیاسی.

- پایان صدور هر گونه تسلیحات آلمانی به کل «خاور نزدیک».

- پذیرش پناهندگان از همه ممالک «خاور نزدیک».

- ارسال دارو به «نوار غزه».

- رفع محاصره و تحریم «نوار غزه» توسط مصر و اسرائیل.

زنده باد همبستگی با خلق فلسطین!

نابود باد رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل

درمونیخ

نیز طبق گزارش دریافتی تظاهراتی با حضور بیش از هفت هزار نفر برگزار گردید و تظاهر کنندگان حکومت صهیونیستی اسرائیل را محکوم و همبستگی خود را با مردم غزه و جنبش مقاومت فلسطین ابراز داشتند. فعالین و سمپاتهای حزب کار ایران (توفان) نیز فعالانه در این تظاهرات شرکت داشتند.

موضع گیری «او» «مانیستی» نه سیخ بسوزد نه کباب»، نه به دوطرف درگیر جنگ!! موضع گیری مسئولانه ای نیست. باید بطور روشن و شفاف و بدون اما و اگر، متجاوز جنگ طلب فاشیست را محکوم کرد و از قربانی به دفاع برخاست. مبارزه قربانی که خلق تحت ستم و اشغال فلسطین است با هرازار وسیله ای مبارزه ای مشروع و دفاع از خود است، صرف نظر از اینکه ظاهری سکولار داشته باشد یا مذهبی و سوسیالیستی....

فرانسه



اعتراضات مردم جهان بر علیه بربریت و توحش رژیم صهیونیستی ادامه دارد. در شهر های پاریس تظاهراتهای مختلفی در ۲۳، ۲۴ و ۲۵ ژوئیه بر علیه حملات بربرمنشانه غزه صورت گرفت. اما تظاهراتی که روز شنبه ۲۶ ژوئیه برای اعتراض به این قتل عام برنامه ریزی شده بود، نه تنها اجازه دریافت نکرده بلکه ممنوع اعلام گردید. در کشوری که خود را دموکراتیک مینامد و از حقوق بشر سخن می گوید تظاهرات مسالمت آمیز که حق قانونی مردم است را بنفع صهیونیستها ممنوع اعلام میکنند!

مرگ بر مدافعان کذاب حقوق بشر!
 زنده باد همبستگی با خلق فلسطین!
 نابود باد رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل!

لندن

هزاران نفر (مسیحی - کلیمی - مسلمان) در خیابان کنزینگتون لندن به حمایت از ملت فلسطین پرداختند و رژیم نژاد پرست و متجاوز اسرائیل را محکوم کردند



زنده باد همبستگی با خلق فلسطین!
 نابود باد رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل!

تظاهرات دهها هزار نفر در نیویورک

علیه رژیم متجاوز اسرائیل و در همبستگی با مردم فلسطین



People of Occupy Wall Street gather in New York in protest of Israel.

تصویری از تظاهرات هزاران نفر از مردم هند در دهلی نو در محکومیت رژیم صهیونیستی
اسرائیل و در حمایت از مردم غزه

Demonstrators hold placards and shout slogans during a protest rally against the Israel's attacks on Gaza, outside the Israeli embassy in New Delhi Reuters



در کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا، ترکیه، بنگلادش، اندونزی، فیلیپین، استرالیا، فنلاند، دانمارک، نروژ، اتریش، ایتالیا، هلند، ایرلند، تظاهراتی با شکوهی علیه جنایات امپریالیسم و صهیونیسم و همبستگی با ملت فلسطین انجام یافته و این اعتراضات همچنان ادامه دارند. زنده باد همبستگی با ملت فلسطین!

پایان اعتصاب غذای موفق رضا شهابی و تلاشهای متحد برای آزادی او و همه فعالین کارگری!



رضا شهابی کارگر مبارز و شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سرانجام در پانجمین روز این حرکت یعنی روز یکشنبه ۲۹ تیر به اعتصاب غذایش پایان میدهد. خبر این اعتصاب غذای موفق در شرایطی بگوش رسید که مردم فلسطین در زیر بمبارانهای وحشیانه رژیم فاشیستی و متجاوز اسرائیل دست و پا میزنند و عراق در آتش جنگ داخلی که امپریالیسم آمریکا آن را مهندسی کرده و تجزیه این کشور را در دستور کار خود قرار داده، خطری که کشور ما ایران را نیز تهدید میکند، مسرت بخش است. وجود و حضور فعال رضا شهابی در صحنه نبرد طبقاتی برای همه کارگران و زحمتکشان و همه مبارزین استقلال طلب و ضد امپریالیست از اهمیت بسزائی برخوردار است. تیریک و دست مریزاد به تمامی انسان های برابری طلب، آزادیخواه، مدافعین حقوق بشر و آنهایی که خود را مدافع و دلسوز طبقه کارگر می دانند.

تن دادن رژیم به بخشی از خواستههای رضا شهابی نشان از آن است که تلاش انسانی و گسترده زنان و مردان آگاه و مبارز در سراسر جهان، با فشار به رژیم ضد کارگر و ضد بشر جمهوری اسلامی، موثر واقع شد و رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. مقاومت رضا شهابی که تا آخرین نفس به پای کسب حقوق حقه خود و هم طبقه ای هایش ایستاد و تسلیم نشد، و موقتاً از مرگ قطعی نجات یافت، تحسین برانگیز است. درود ما به رضا شهابی و همه آزادیخواهان ضد رژیم و ضد امپریالیست!

در بخشی از اعلامیه کمیته دفاع از رضا شهابی در مورد پایان اعتصاب غذای او چنین آمده است:

«رضا شهابی با توجه به اظهارات نماینده ی دادستان مبنی بر آغاز روند صدور مرخصی پزشکی از ابتدای ساعات اداری پیش رو، که در واقع اجرایی شدن خواسته های وی می باشد اعلام نمود نظر به درخواست اکید دوستان، فعالین کارگری، تشکل ها و نهادهای داخلی و خارجی و نیز درخواست همسر و اعضای خانواده اش در ۵۰ امین روز اعتصاب (از ساعت ۷ عصر یکشنبه ۲۹ تیرماه ۹۳) دست از اعتصاب غذا بر می دارد؛ اما چنانچه کوچکترین ممانعت یا تغییری در روند اجرایی شدن خواسته هایش ایجاد گردد مجدداً اعتصاب غذای خود را از سر خواهد گرفت و تن به عمل جراحی نیز نخواهد داد.

در صورت صدور مرخصی پزشکی، رضا شهابی با عمل جراحی که باید هر چه سریعتر انجام گیرد موافقت خواهد نمود. پزشکان معالج با توجه به اوضاع جسمی رضا انجام عمل جراحی و نیز مرخصی پزشکی بعد از عمل را برای سلامتی رضا و خروج وی از این بجران و وخامت جسمی ضروری اعلام کرده اند.....

با پیگیری و تداوم تلاش هایمان، گسترده تر، متحد تر و با کارزارهای مؤثرتر باز هم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی های بیشتری تا آزادی و بهبود کامل رضا و تأمین خانواده اش و همچنین آزادی تمامی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی، وادار نماییم»

درود بر تمامی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی آگاه و مبارز!

نقش آگاهی و روحیه سندیکائی

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

در ایران که امنیتی وجود ندارد همه از آینده خویش بیمناکند. عدم احساس امنیت شغلی در میان اکثریت قریب به اتفاق کارگران از همه طبقات و اقشار دیگر بیشتر است و این یکی از موانع اساسی و مشکل واقعی کارگران است که اجازه نمی دهد آنها به فکر ایجاد تشکلات مورد نظر خود باشند. سیاست رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی تقویت این وضعیت و گرسنه نگهداشتن کارگران و حکومت بر آنان است. سازو کاری که آنها استفاده می کنند مانند همان روشهایی است که در ممالک سرمایه داری پیشرفته تجربه شده است. همان سیاست معروف سر گرگ برای ترساندن بزه ها.

وجود کارهای قراردادی و پیمانی و خیل عظیم بیکاران آماده به کار که مانند سر گرگ در پشت در کارخانه ها صف کشیده اند از یکطرف و دستمزد ناچیز و بخور و نمیر از طرف دیگر باعث شده که فکر نان شب آنها را چنان بخود مشغول کرده باشد که فرصتی برای تفکر در باره بهبود شرایط زندگی خود از راه تشکل یابی پیدا نکنند. تا زمانی که ترس از فردا و آینده وجود نداشته باشد و کارگران احساس نکنند که فردا قادر به ادامه کار و فروش نیروی کار خویش هستند، تا زمانی که میلیونها کارگر پشت درب مراکز کاری منتظر بکار گیری خود از کارفرمایان انتظار می کشند و نقش اعتصاب شکن را بازی می کنند و تا زمانی که حتا رقابت کاری در محیط کارخانه برای بقاء خود در میان کارگران وجود دارد، آنها فرصت کافی نخواهند یافت که به مسائل دیگر همچون اتحاد و تشکل عمیقانه فکر کنند و آن را در دستور کار عمده خود قرار دهند.

این سیاست تجربه شده سرمایه داری جهانی است که کارگران را به چنین فلاکتی می کشاند، و آنرا بر اساس نیاز واقعی سرمایه داری هار به صورت قانونی در می آورد. کار قراردادی، دستمزد پائین، نیروی میلیونی بیکار، ایجاد رقابت در محیط کار، همه ابزارهایی است که با استفاده از نیروی سرکوب قوه نظامی در خدمت سرمایه داران قرار دارد و همراه با تفرقه افکنی در میان کارگران چه توسط تشکلهای خود ساخته و چه توسط دامن زدن به نفرت ملی میان خلقهای ایران از تشکل مستقل آنها جلو می گیرد. رژیم جمهوری اسلامی برای تحقق این خواست کارگران را دسته دسته، از شمول قانون کار خارج می سازد و دست کارفرمایان را در اخراج آنها بدون پذیرش هیچ گونه مسئولیتی کاملاً باز می گذارد. این ترازنامه کار رژیم را ما در اخراجهای وسیع و رشد بیکاری روزافزون، در خدمت به نظام سرمایه داری حاکم و رژیم حافظ منافع اش می بینیم که وضعیت فلاکت بار را برای کارگران فراهم آورده اند. تنها کافی است به این واقعیت که کارفرمایان در یکسری از واحدهای تولیدی حتی از پرداخت حداقل دستمزدهای نازل پذیرفته شده نیز سر باز می زنند توجه نمود تا به ابعاد باور نکردنی تعرض سرمایه داران و دولت آنها به حقوق کارگران پی برد. برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی دولت جمهوری اسلامی به این سرکوب و سیاست نیاز دارد و طبقه کارگر نیز باید درک کند که دشمن طبقاتی وی یک دشمن جهانی است. امروز در ایران کارگران به بردگان بی مزد که حتا تا دو سال دستمزدشان را پرداخت نمی کنند، مبدل شده اند. ایران بهشت سرمایه داران است. برای تغییر این وضع کارگران به تشکل یابی نیاز دارند. بخشی از سرمایه داران رژیم گذشته می خواهند وضعیت فعلی را در ایران به گردن اسلامی بودن رژیم بگذارند در حالیکه خط مشی رژیم جمهوری اسلامی بر اساس منافع سرمایه داری جهانی حرکت می کند و فرقی نمی کند که در ایران شاه و یا شیخ بر سر کار باشد.

در جنبش دموکراتیک بورژوازی ۲۲ خرداد مشهور به جنبش سبز طبقه کارگر به مثابه طبقه از آن جدا ماند و این جنبش در تنهایی خویش نتوانست به یک جنبش اجتماعی بدل شود. علت اساسی این بی تفاوتی طبقه کارگر را باید در این دید که برای کارگران آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد خواستهای صنفی و تحقق حداقل شرایط تامین زندگی آنهاست. به مصداق "شکم گرسنه دین و ایمان ندارد" برای کارگران طرح خواستهای مبتنی بر بهبود شرایط زندگی بیشتر بسیج کننده است تا کسب حقوق دموکراتیک عمومی.

علیرغم همه این مشکلات، در اثر اعتراضات و مبارزه کارگران، تشکلهای پراکنده مستقل کارگری در ایران تحت عناوین گوناگون بوجود آمده است و جنبش کارگری توانسته جای خویش را در عرصه سازمانهای جهانی کارگری باز کرده و برسمیت شناخته شود. در اثر این مبارزات مسائل کارگری ایران مطرح شده و ابعاد حمایتهای بین المللی از مبارزات و خواسته های کارگران ایران نیز افزایش قابل توجهی یافته است. سندیکای کارگران واحد به عضویت رسمی کنفدراسیون کارگران حمل و نقل جهانی درآمده است. اگر این حمایت جهانی نبود شاید تا کنون رهبران مبارزات اتحادیه های کارگری را رژیم جمهوری اسلامی سر به نیست می کرد.

مبارزات طبقه کارگر ایران برای ایجاد اتحادیه های مستقل کارگری است. این اتحادیه های مستقل باید از حقوق کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت حمایت کنند. این اتحادیه ها تشکلهایی در مقابل اتحادیه های دولتی هستند که نقش آنها کنترل و آرام نگهداشتن طبقه کارگر است. ولی مبارزه برای تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری به معنی آن نیست که این اتحادیه ها وظیفه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت کارگری را بعهدہ دارند. این تصور رایج و اشتباهی است که در پاره ای نیروهای مدعی "چپ" وجود دارد. اتحادیه کارگری حزب نیست که وظیفه رهبری کسب قدرت سیاسی را داشته باشد. اتحادیه کارگری برای بهبود شرایط استثمار و نه برای نابودی استثمار مبارزه می کند. اتحادیه کارگری در عین مستقل بودن، مناسبات سامانه سرمایه داری را برسمیت می شناسد و در همان چارچوب خواهان بهبود شرایط زندگی و تدوین قوانین به نفع کارگران و یا رعایت قوانین موجود است. مخلوط کردن وظایف اتحادیه کارگری و مسئله کسب قدرت سیاسی هم به حزب طبقه کارگر و هم به اتحادیه صنفی طبقه کارگر صدمه

می زند. استقلال اتحادیه کارگری سراسری تنها به مفهوم اتخاذ تصمیمات مستقل و بدون اجبار از جانب دولت و سرمایه داران است نه بیشتر و نه کمتر.

اتحادیه کارگری حزب نیست ولی فعالین کارگری حزب باید در درون اتحادیه کارگری خواسته های مناسب صنفی را طرح کرده و به کارگران نشان دهند که راه غلبه بر همه نابسامانی ها نابودی نظام استثمار است و برای این کار باید کارگران در حزب طبقه کارگر متشکل شوند. فعالین حزبی هم در عرصه سندیکائی و هم در عرصه سیاسی برای تامین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب اجتماعی مبارزه می کنند. از نظر سیاسی باید در میان عناصر آگاه طبقه کارگر حزبیت را تبلیغ کرد. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است و این وحدت بر گرد پذیرش ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم و برنامه سیاسی حزب کار ایران (توفان) امکان دارد. بدون تقویت حزبیت، بدون ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی بدون برنامه کسب قدرت سیاسی امکان پیروزی طبقه کارگر در هیچ زمینه ای وجود ندارد و حتی دستاوردهای صنفی وی نیز موقتی خواهد بود. کمونیستها باید توجه داشته باشند که اتحادیه کارگری حزب نیست. ایزاری است که کارگران که در اکثریت خویش غیر حزبی هستند توسط آن به خواسته های اقتصادی خویش می رسند. البته مکتبی برای آموزش طبقه کارگر در تجربه عملی خویش است. برخوردهای نادرست به رابطه مبارزه سندیکائی، رابطه حزب طبقه کارگر با اتحادیه های کارگری و یا درک از استقلال طبقه کارگر به انحرافات نظیر آنارکو سندیکالیسم، دشمنی با حزبیت و خلع سلاح ایدئولوژیک طبقه کارگر و چپروی در فعالیت اتحادیه های کارگر می انجام که وظیفه حزب ما روشنگری در تمام این زمینه هاست.

مقاله ای از حزب کمونیست مارکسیست لنینیست انقلابی ونزوئلا



این تنها راه است: حضور توده های انقلابی در خیابان



در مقاله "ونزوئلا امروز و سیاستهای انقلابی" (مجله Unity & Struggle ارگان کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست-لنینیست شماره ۲۶ مارس ۲۰۱۳) حزب ما توضیح میدهد که: این وضعیت بغرنج در درجه اول نیازمند تقویت و تثبیت تشکیلاتی حزب است و در کنار آن نیازمند وصل شدن به توده های مردم و همچنین افزایش امکان هدایت حرکت های خیابانی سازمان یافته و با تاکتیک که بتواند گسترده شود. این اظهارات به تایید رفقای ما رسید و بشکل شعار تاکتیکی " تثبیت تشکیلاتی و گسترش حزبی" اعلام شد تا بیان کننده نیازهای مبرم ما باشد: ایجاد توانایی های مادی برای پیشبرد مواضع سیاسی در بین تمام بخش های جامعه بخصوص طبقه کارگر و دهقانان و روشنفکران انقلابی، و حمله به ارتجاع و همچنین افشای تهدیدات خارجی مسئولیت کنونی ماست.....

صرف نظر از عمل و رفتارهای دشمن یا میزان رفورها و تغییرات، فعالیتهای ما باید آشکار باشند. آن چیزی که انجام آن ضروری است سازگار کردن جریان فعالیتهای مان با سناریوهایی است که در مسیر مبارزه ایجاد میشوند. باید نیروهایمان هوشیار باشند و اجازه ندهند که در اثر بی احتیاطی یا عدم دوراندیشی افراد ما طعمه خشونت های نیروهای بورژوازی شوند. ما نباید در پاسخ هایمان دچار زیاده روی شویم، و در عین حال نباید منتظر حوادث بمانیم، بنابر این علم و هنر کار سیاسی باید به درستی اجرا شود. در آن مقاله ما تکنیکهای مشخصی ارائه دادیم: لزوم وحدت همه نیروها در جهت ۱- توقف تلاشهای نیروهای راست فاشیست و امپریالیسم ۲- حرکت در جهت سازماندهی نیروهای مردمی برای انقلاب ۳- غلبه بر رهبری سوسیال دموکرات کنونی برای رفتن به سوی انقلاب پرولتری ۴- قرار دادن حزب و نیروهای مردمی سازمان یافته آن در خط مقدم مبارزه. این تاکتیکهای پیشنهاد شده باید به سرعت اجرا شده و عمیقتر شوند بخصوص در زمانی که نیروهای امپریالیستی و سرمایه داری حملات خود را شدیدتر نموده با تشکیل نیروهای کوچک شبهه نظامی مجهز به لوازم درگیریهای خیابانی و حتی اسلحه های جنگی به نیروهای انقلابی و نیروهای امنیتی حمله میکنند. اینها دلیل محکمی است که خواست آنها را برای فتنه افکنی و ایجاد جنگ نشان میدهد.

ما با حمله جدید دشمن در جهت تخریب بی اعتبار سازی و سلب مشروعیت از جنبش انقلابی روبرو هستیم. آنها سعی دارند با ایجاد ترس ما را مهار کنند تا بتوانند از این برتری در جهت کنترل خیابانها و فضا های عمومی استفاده کنند. ما نباید این اجازه را به آنها بدهیم. حزب ما باید همه این فضا ها را در اختیار بگیرد تا بتواند مردم را برای سناریوهای آتی و پیچیده تر شدن شرایط بسیج کند. باید

مسیر مبارزه توده ای را در زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نشان داد و مبارزه طبقاتی را که اکنون در ونزوئلا جریان دارد شدت بخشید.

وضعیت پیچیده اقتصادی که کشور امروز با آن مواجه است بهانه لازم را برای حرکت های سیاسی به دست سرمایه داری داده است. نقشه آنها این است که تا آنجا که ممکن است عمق این مشکلات را افزوده و راهکار های انقلابی را تخریب نمایند و توده مردم را در مقابل ما قرار دهند. این هدف را با در دست داشتن بیش از ۷۰٪ از بخشهای اقتصادی و با پولهایی که در اختیار دارند با کمک رسانه های خصوصی که در اختیار آنهاست و همچنین با حمایت امپریالیسم امریکا و اروپا و از آن مهمتر لشکری از عوامل خورده بورژوازی که حاضرند در جهت آنها حرکت کرده و حتی فرزندان خود را بصورت سربازان مزدور تحت اختیار آنها قرار دهند به پیش میبرند.

به عنوان طبقه کارگر ما باید خود را در تمامی زمینه ها آماده کنیم، باید تمامی قدرت و هوشیاری خود را جمع کرده، آن انرژی دگرگون کننده خود را در زمان ضد حمله انقلابی رها کنیم. در آن زمان ما نباید دوباره به خود اجازه عقب نشینی بدهیم. ما باید تا آنجا پیشروی کنیم که تمام موانعی را که راه تغییر انقلابی را سلب میکنند از جمله مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، ترس و احساس ضعف در مقابل امپریالیسم و سرمایه داری و ترس از درگیر شدن را از جلوی خود برداریم. طبقه کارگر و دهقانان باید حرکت خود را بسوی سوسیالیسم هدایت کنند تا دیگر گوشت دم توپ سرمایه داران و خورده بورژوازی که تنها هدفشان استفاده از ماست نشوند. حضور نیروهای انقلابی در خیابان تنها آلترناتیو است.

ما در اعلامیه یکسال قبل خود به وضوح بیان کردیم " شما باید با بورژوازی علنا وارد جنگ شوید، آنها برای راحتی تظاهر به گفتگو میکنند و دم از اتحاد ملی میزنند اما هدف آنها این است که از میزان رزمندگی ما کم کرده و با ایجاد حس بیحالی در توده ها مبارزه را فلج کنند در حالیکه خود به مرور جایگاه های بیشتری را در قدرت اشغال نموده تا در نهایت بر " تندروها" غلبه کنند".

آنچه که دقیقاً دارد اتفاق می افتد این است که آنها بدنبال توافق در پشت "میزمذاکره صلح" هستند. جائیکه کارگزاران شرکتها خواستار برچیدن قانون کار ونزوئلا (LOTTT)، برچیدن مزایای قید شده در قراردادهای قانونی کردن حق اخراج، دادن آزادی عمل بیشتر (به کارفرمایان- مترجم) در زمینه قراردادهای دسترسی سریعتر به دلار دولتی و در آخر قربانی کردن کارگران اعتصابی میباشند تا آن افراد محترم بتوانند با اعتماد و آسودگی به تجارت خود بازگشته و بر سودهای خود بیافزایند. آنها "کلکتیو (Colectivo)" را پلید جلوه میدهند در حالی که آن چیزی نیست جز تجلی خواسته های مردم که سرمایه داران خواستار نابودی آن هستند تا بتوانند در آینده سرکوب را آسان تر کنند.

آن نیردی که امروز در میدان "میزمذاکره صلح" در جریان است و بین نیروهای بورژوازی و خورده بورژوا میباشند از میز خارج شده است. این طبقه کارگر و نیروهای انقلابی هستند که باید حرف آخر را بزنند: لورنزو مندوزا، یوجینو مندوزا (یوجینو مندوزا از کلان سرمایه داران گذشته و لورنزو مندوزا از کلان سرمایه داران حال ونزوئلا میباشند- مترجم) هیچکدام سر مشق مردم و انقلابیون واقعی نیستند. موافقت با این خواسته ها خیانت به چاوز و خیانت به مردم است. دست برداشتن از کولکتیوهای انقلابی نابود کردن فرصت پیشرفت به سوی سوسیالیسم است.

رفقا هوشیار باشید. ما باید همیشه با صراحت و وضوح اعلام کنیم:

سوسیالیسم تنها با کارگران و دهقانان متحد در راس قدرت و خلق مسلح شده ساخته میشود.

نه سازش و نه تسلیم، این انقلاب است که می آید.

سر مقاله Acero Revolucionario ارگان حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ونزوئلا شماره ۲۶ می ۲۰۱۴

Colectivo: کولکتیو ها سازمانهای اجتماعی مردمی میباشند که وظایفی مانند سازماندهی مردم، گسترش دموکراسی خلقی و گسترش گروه های سیاسی و فرهنگی در میان توده

اعلام سیاستهای جدید جبهه مردمی تونس



صوت الشعب
صوت الحقيقة

سخنگوی رسمی جبهه مردمی تونس، رفیق حمه همای از حزب کارگران تونس، در یک کنفرانس مطبواتی که پنجشنبه ۵ ژوئن ۲۰۱۴ برگزار شد اعلام کرد که برگزاری انتخابات تنها در یک فضای سالم امکان پذیر است. در این زمینه همای اضافه کرد که در دیدارهای ۳۱ می و ۱ ژوئن جبهه، برنامه ای با سیاستها و ابتکارات جدیدی طرح ریزی شده است که به تمامی نیروهای سیاسی انقلابی، دموکرات، و پیشرو تقدیم خواهند شد. سخنگوی رسمی جبهه خلق اشاره کرد که این برنامه یکسری وظایف فوری بر دوش تمامی نیروهای سیاسی قرار میدهد از جمله پاکسازی فضای اقتصادی که در آن کاهش پیامد های بحران اقتصادی بر گروه های مختلف مردم با اتخاذ اقدامات لازم برای افزایش قدرت خرید و کاهش بیکاری در الویت قرار دارند.

همای اضافه کرد که برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه، یکسری اقدامات حد اقلی منجمله بازنگری در انتصابات، اعلام حقایق در رابطه با ترور رفقای جان باخته شکری بالعيد و محمد البراهمی، بیطرفی مساجد، و اعلام یک کنفرانس ملی برای مبارزه با تروریسم لازم اند.

او تاکید کرد که جبهه مردمی در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری با استواری شرکت خواهد کرد و تمامی مراحل قانونی برای ثبت در اداره احزاب و جمعیتها انجام شده اند و جبهه برای مبارزه انتخاباتی سراسری آماده میشود. به نقل از "صوت الشعب" پنجشنبه ۵ ژوئن

ضرب و شتم شدید وبلاگ نویس و فعال سیاسی مراکشى خالد بورقیه



در ساعت پایانی شب یکشنبه اول ژوئن، خالد بورقیه، مدیر مسئول "الفبرایری" (فوریه) مورد ضرب و شتم قرار گرفت و برای مداوا به بیمارستان منتقل شد. لازم به ذکر است که خالد بورقیه از برجسته ترین چهره های رسانه ای و از فعالین "جنبش ۲۰ فوریه" و معروف به صدای "الفبرایربین" (فوریه ای ها) است که متشکل از نیروهای چپ و دموکرات و همچنین جوانان بیکار است که در زیر فشار شدید امنیتی و دستگیریها جنبش را تاکنون زنده نگاه داشته اند. خالد بورقیه همچنین مسئول سایت خبری "ملفات نادله" میباشد که خبر رد و تحریم دعوت میهمانی شامی را که در تونس برای محمد ششم پادشاه مراکش گرفته شده بود را پخش کرد. این میهمانی از سوی حمه همای سخنگوی رسمی جبهه مردمی تونس رد و تحریم شده بود. همای علت رد این دعوت را سیاستهای پادشاه مراکش در دستگیری، آدم ربایی و قتل مخالفان و نیروهای دموکرات مراکش اعلام کرده بود. به نقل از "صوت الشعب" دوشنبه ۲ ژوئن

در باره انتخابات پارلمان اروپا و مواضع جنبش برای بازسازی حزب کمونیست یونان (۱۹۵۵-۱۹۱۸)

در یونان، انتخابات اروپا تحت شرایط ریاضت اقتصادی، بیکاری گسترده، فلاکت عمومی، و هرچه بیشتر وابسته شدن کشور به مراکز امپریالیستی-چند ملیتی برگزار شد. درصد بالایی از جامعه (بیش از ۴۲ درصد) تصمیم به عدم شرکت در این انتخابات گرفتند. نا رضایتی و تنفر انباشته شده مردم، اعتراضات عمومی، خشم مردم از سیاستهای دولت و احزاب آن (حزب دمکراتیک نوین - ND میزان ۲۲,۷ در صد آرا؛ حزب سوسیال دمکرات یونان - در صد در صد PASOK 8 در صد و) در پیروزی انتخاباتی حزب چپ یونان - SYRIZA (میران ۲۶,۵ در صد آرا) بیان شده است. اما این پیروزی انتخاباتی نتیجه اعتراضات توده ای و یا گسترده نبود.

حزب چپ یونان - SYRIZA از سیاست "اتحادیه اروپای بهتر" حمایت کرده و میکند. حزب کمونیست یونان "KKE" ۶,۱ در صد آرا را اخذ کرد خود تاییدی است بر بن بست و حضور مخرب و فرسوده این حزب. حزب نازی-فاشیست سپیده طلایی - Gold Dawn که در صد قابل توجه ای از آرا (۹,۴ درصد) را بخود اختصاص داد بویژه نگران کننده است. در این انتخابات این حزب در رده سوم قرار گرفت.

باید توجه داشت که از نظر سیاسی بخاطر خط مفاشات و سکتاریستی احزاب "چپ" و مسئله اساسی تشدید وابستگی یونان به مراکز امپریالیستی اتحادیه اروپا و اورو مردم تصمیم به عدم شرکت در این انتخابات گرفتند.

جنبش برای بازسازی حزب کمونیست یونان (۱۹۵۵-۱۹۱۸) مردم را دعوت به تحریم انتخابات کرد و تحت شعار "خروج یونان از اتحادیه اروپا" بر مبارزه بر علیه وابستگی به امپریالیسم، فاشیسم، نژادپرستی، و ناسیونالیسم انگشت گذاشت. جنبش برای بازسازی حزب کمونیست یونان (۱۹۵۵-۱۹۱۸)

۳۰ ماه مه ۲۰۱۴

یاد داشتهای کوتاه سیاسی

گلچینی از فیسبوک



کردستان مستقل!!!

«حزب کمونیست کارگری - منصور حکمت» عامل صهیونیسم در منطقه



صهیونیسم و امپریالیسم دوستان صمیمی یکدیگرند. «حزب کمونیست کارگری - منصور حکمت» مورد حمایت صمیمی امپریالیسم و صهیونیسم در ایران و منطقه است و از تجاوزات امپریالیستی و صهیونیستی به خلقها و تجزیه کشورها حمایت میکند.

حزب کار ایران (توفان) سالهاست که با انتشار کتب و مقالات تحلیلی و اسناد غیرقابل انکار ماهیت کثیف این حزب اسرائیلی را افشا ساخته و به نیروها و احزاب و سازمانهای اپوزیسیون مترقی و انقلابی هشدار داده است. اکنون که تجزیه عراق توسط امپریالیسم و صهیونیسم در دستور کار است و قرار است «حق تعیین سرنوشت خلق کرد!!» به اجرا درآید. «حزب کمونیست کارگری - منصور حکمت» نخستین جریانی است که پس از اظهار نظر نتانیاهو نخست وزیر صهیونیست اسرائیل در تأیید «استقلال کردستان عراق» بیانییه صادر کرده و از این سیاست استعماری و صهیونیستی استقبال نموده است. در بخشی از بیانییه چنین میخوانیم:

«کردستان مستقل میتواند و باید نه تنها از نظر جغرافیائی بلکه از نظر سیاسی - اجتماعی نیز مسیر خود را از نیروها و دولتهای اسلامی و قومی و ناسیونالیستی جدا کند. این افق و چشم انداز که خواست و تمایل توده مردم کردستان است، را کمونیستها و مشخصا احزاب کمونیست کارگری از سالها پیش نمایندگی میکنند. با حل مساله ملی راه برای حل ستم و تبعیض طبقاتی نیز هموارتر خواهد شد. برای ما کمونیستها و توده مردم در شرایط حاضر جدائی کردستان از عراق گامی در جهت گسترش مبارزه برای ایجاد یک حکومت سکولار، غیر قومی و غیر مذهبی، و جامعه ای آزاد و برابر و مرفه است. تلاش برای تحقق این هدف در صدر وظایف نیروهای چپ و کمونیست در عراق قرار دارد.»

می بینید «حل مسئله ملی کردستان» توسط صهیونیسم چشم انداز واقعی است که این حزب خائن نمایندگی میکند و بر خود نیز می بالد که چنین نقش و رسالت ستون پنجمی را بعهده گرفته است.

حزب اسرائیلی "کمونیست کارگری" ایران نمی خواهد بفهمد که حق ملل در تعیین سرنوشت خویش اساسا یک حق دموکراتیک است، برخورد کمونیستها به این حق نیز مستثنی از برخورد عمومی کمونیستها نسبت به سایر حقوق دموکراتیک و مسئله کل دموکراسی نمیتواند باشد. حقوق دموکراتیک تابعی از مصالح مبارزه طبقاتی بوده و خواهد بود و باید تنها از دریچه نابودی بهره کشی انسان از انسان و رهایی بشریت در مجموع خود از چنگال بربریت سرمایه داری مورد نظر قرار گیرد. این حق برای ناسیونال شونیستها "مقدس و ابدی" است حال آنکه کمونیستها به این اصول "لایتغیر"، "ابدی" و "آفریده شده" که ماهیت مذهبی می یابند هرگز اعتقادی نداشته و نخواهند داشت. به بهای سرکوب ملت دیگری کسب "حق تعیین سرنوشت کردن" یک ارتجاع سیاسی است، قابل دفاع نمی باشد.

برای درک ژرفتر و چرایی این سیاست سرسپردگی به صهیونیسم و امپریالیسم، دوستان و رفقا را به دوجلد کتاب منتشره از حزب کار ایران (توفان) رجوع می‌دهیم تا سره از ناسره بیشتر روشن شود.

کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

رئیس جمهور جمهوری بولیواری ونزوئلا: رژیم اسرائیل تروریست است



رئیس جمهور جمهوری بولیواری ونزوئلا از طریق شبکه اجتماعی توئیتر، از همه مردم دنیا دعوت کرد تا با بسیج افکار عمومی برای پایان دادن به جنگ اقدام کنند.

به گزارش دولت بهار به نقل از پایگاه اینترنتی شبکه تله سور، رئیس جمهور جمهوری بولیواری ونزوئلا، ضمن تروریست توصیف کردن رژیم اسرائیل به انتقاد شدید از خشونت وحشیانه ارتش این رژیم علیه مردم فلسطین، پرداخت. فرمانده هوگو چاوز در سال ۲۰۰۹ از حمله اسرائیل به نوار غزه سفیر رژیم اسرائیل را از کاراکاس اخراج کرد. چاوز درباره غزه گفته بود: «امروز تمام دشمنی‌ها در هر زمان و مکان در غزه جمع شده است، من معتقدم در نهایت تمام جنگ‌های تاریخ همین جنگ نوار غزه است، ما برای فلسطین می‌جنگیم، این جنگیدن به نفع ونزوئلا هم هست، در واقع برای امریکای لاتین می‌جنگیم.» موج جدید حملات اسرائیل به نوار غزه تحت حمایت دولت ایالات متحده، در ۱۲ ژوئن آغاز شد. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، گفت که به بمباران مستمر غزه ادامه خواهد داد و برای حمله زمینی آماده می‌شود.

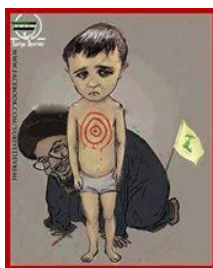
زنده باد همبستگی با خلق فلسطین!

نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل

وجدان هم خوب چیزی است

پاسخ به یک کاربرکرد ایرانی مدافع تجزیه عراق " استقلال اقلیم کردستان" که سازمان مقاومت اسلامی حماس را مسبب حمله نظامی به غزه می‌بیند و "سپر بلا کردن کودکان غزه" را گامی برای تثبیت وجه بین المللی خود:

دوست عزیز این کاریکاتور از تلاویو و توسط کاریکاتوریستهای صهیونیست که سازمان مقاومت حماس را مسبب بمباران غزه و به تیرئه رژیم متجاوز و صهیونیستی اسرائیل می‌پردازند تهیه شده است. نتیجه پیوند نامبارک رهبران ناسیونال شونیست کرد با رژیم نژاد پرست و قصاب اسرائیل بهتر از این نمی‌شود. چه خوب گفت شاعر فرهیخته ما، آن کس که از فاشیسم و صهیونیسم به دفاع برخیزد "نشانده که نامش نهند آدمی!"



در اتخاذ موضع شما در مورد فلسطین دوحالت وجود دارد. یکم اینکه از تاریخ پیدایش رژیم صهیونیستی اسرائیل که توسط امپریالیستهای غرب بر سر مردم فلسطین و منطقه فرود آمد بیخبرید و دلایل این امر را نمی‌دانید... اگر چنین است پس باید در این صورت بیشتر مطالعه فرمائید و با احساس مسئولیت بیشتری اظهار نظر کنید. سرزمین فلسطین بیش از ۶۰ سال است که تحت اشغال صهیونیستهای اسرائیل قرار دارد که حاصلش تاراندن ۴ میلیون نفر از سرزمین مادریشان است. دهها هزار نفر کشته و خانه و کاشانه

شان غصب گردیده است... طبق مرامنامه سازمان ملل متحد هر خلقی که تحت اشغال نیروی خارجی قرار گیرد حق دارد با هر وسیله ای از خود دفاع کند و متجاوز را از حریم خانه اش بیرون راند. پس جنگی که درگرفته جنگی عادلانه و مشروع از طرف فلسطینیها با هر دین و مسلکی که باشند و جنگ طرف مقابل اشغالگرانه و غیر مشروع و ارتجاعی است. نزاع بین اسرائیل و فلسطین نزاع مذهبی نیست بلکه یک نزاع ملی و رهاییبخش از طرف فلسطینیها برای استقلال است. جنگ اسرائیل علیه فلسطین جنگی نژادپرستانه و استعماری است..... حالت دوم این است که حضرت عالی با توجه به شناخت و آگاهی نسبت به ماهیت رژیم نژاد پرست و استعماری اسرائیل از این نظام دفاع میکنید چون اقلیم کردستان را مورد حمایت قرار داده است....!! و برای شما همه مسائل دیگر اهمیت ثانوی و حقوق بشر و استقلال خلقها برای شما محلی از اعراب ندارند. دوست عزیز، چشمهایتان را باز کنید و ببینید چه فجایع ای در غزه در جریان است. در دوهفته اخیر بیش از ۱۰۰۰ فلسطینی که اکثرشان غیر نظامی بوده جان باخته اند و این کشتار همچنان ادامه دارد و جدان هر انسان شریف و متعهدی را معذب میکند. این جنگ نیست بلکه یک کشتار عمومی و نسل کشی نژادی است. امید که قدری با تعمق بیشتر و با روحیه همبستگی با مردم فلسطین به این مسئله بپردازید.

نگاه جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد آتش بس



جبهه خلق برای آزادی فلسطین که یک جبهه چپ و تحت رهبری یاران جرج حبش قرار دارد و با سازمان حماس و دیگر سازمانهای مذهبی مشابه در یک جبهه علیه اشغالگران میرزد با انتشار بیانیه ای مورخ ۱۴ جولای نظرات خود را در مورد آتش بس پیشنهادی نیروی دشمن اعلام داشته است:

"جبهه در بیانیه ای مورخ ۱۴ جولای «جبهه خلق برای آزادی فلسطین، اعلام می دارد، پیشنهاد برای آرامش که خارج از طرح آتش بس و مستلزمات آن و حمایت از ملت فلسطین و مقاومت مطرح شده بمثابة یک مانع برای ادامه مقاومت است، این امر نیازمند یک موضعگیری عربی برای متوقف ساختن تجاوزات دشمن، و همچنین فراهم آوردن عوامل ایستادگی و حمایت بین المللی موقت برای ملت ما می باشد.

جبهه خلق مجددا بر این امر تاکید می ورزد که دیدگاه سیاسی ما، اینچنین است که امضای هر گونه توافق بر آرامش با اشغالگران خطا بوده زیرا، اساسا وجود اشغالگران، نماد ظلم و دشمنی دائم علیه ملت فلسطین می باشد. رژیم اشغالگر می کوشد از برقراری آرامش مجددا شرایط خود را بر فلسطینیها تحمیل کرده تا آنها نتوانند مقاومت کرده و بوسیله این مقاومت مانع پیشبرد برنامه های آنها، همچون شهرک سازی، تخریب قدس و کامل کردن دیوارهای جدا سازی نژادپرستانه شوند، زیرا آنان از این طریق در نظر دارند برنامه کامل صهیونیستی خود را در فلسطین به اجرا در آورند، اشغالگران با ایجاد قید و بند برای مقاومت، همچنان می توانند تجاوزات روزمره خود را علیه شهرها و روستاهای فلسطینیها ادامه دهند، برای شهرک نشینان که حتی یک لحظه مردم ما را راحت نمی گذارند، امنیت تجاوزگری فراهم کنند، در تجاوز و هتک حرمت مسجد اقصی آزاد باشند، به اضافه ترورها، دستگیریها و بازداشتهای دائمی به شیوه فاشیستی، و ظلم و ستم در حق بازداشتیها.

«جبهه خلق برای آزادی فلسطین» هرگز قصد ندارد از مبارزه دست بردارد. شرط قطع مقاومت مردم فلسطین و عدم پرتاب موشک به جانب اسرائیل، آنطور که اپوزیسیون ضد انقلابی ایران تبلیغ می کند، قطع موشکهای اسرائیل نیست، خروج اسرائیل از همه مناطق اشغالی است. تا لحظه ای که حتی یک نقطه از سرزمین فلسطین در اشغال دولت صهیونیستی اسرائیل قرار دارد، نیروی مقاومت و متحد مردم فلسطین حق دارد مقاومت کند و به سوی اشغالگران صهیونیست موشک پرتاب کند و نه فقط فشقه های دست ساخته که فاقد قدرت تخریب اند. شعار قطع پرتاب موشکها از هر دو طرف شعاری عوامفریبانه است. ما باید خواهان خروج بی قید و شرط اسرائیل از سرزمینهای اشغالی باشیم. ما باید خواهان بگور سپردن صهیونیسم باشیم که ربطی به یهودی بودن ندارد.

تائید پرتاب موشک از جانب همه نیروهای مقاومت فلسطینی به سوی قوای صهیونیسم اشغالگر، برسمیت شناختن حق مقاومت یک ملت است. همانگونه که مبارزه پارتیزانهای نهضت های مقاومت ضد نازیهای اشغالگر در اروپا، امر انقلابی و درستی بود، همانگونه

نیز مقاومت پارتیزانهای فلسطینی قابل تأیید است. تنها همدستان امپریالیسم و صهیونیسم مخالف نهضت‌های مقاومت در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم هستند و ما با نمونه‌های آن در سوریه و ایران روبرو بوده و هستیم.

جبهه خلق مجدداً از همگان دعوت می‌کند: «تا با اعتماد بر روشی دیگر با موضوع بر قراری آرامش برخورد کرده، از موضعی تاکتیکی و در چهارچوب مقاومت که تصمیماتش در دایره وحدت ملی، و همچنین در ارتباط با لحظه سیاسی موجود و بر اساس مصالح ملت‌مان عمل کنیم، بدون اینکه هیچ قید و بندی را از طرف اشغالگر، برای ادامه مقاومت بپذیریم.»

درحالی که «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» از «وحدت ملی» و «مقاومت» مشترک همه نیروها که منطبق بر مصالح ملت فلسطین است سخن می‌گوید سازمانها و احزاب شبه ترسکیست و ارتجاعی ایرانی از حزب مالیخولیای مائویستهای ایرانی گرفته تا سازمان شهزاد نیوزهای اقلیتی و حزب اسرائیلی کمونیست کارگری پیروان منصور حکمت مبارزه علیه "اسلام سیاسی" سازمانهای اسلامی مقاومت نظیر سازمان حماس را که عمده ترین نیروی درگیر با صهیونیستهاست را در لویت کارخویش قرار میدهند و بر تفرقه و پراکندگی تأکید می‌ورزند. فرض براینکه چنین "جریان‌های چپ ایرانی" در نوار غزه حضور فعال داشتند، آیا سیاستشان جز دامن زدن به جنگ داخلی و تقویت اشغالگران صهیونیست حاصلی داشت. اینان اگر ریگی در کفش ندارند از مبارزه انقلابی «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» که در این مبارزه شرکت دارد حمایت کنند. بر عکس، این جریان‌ها همواره به دنبال بهانه‌ای بوده و هستند تا به هر شکل ممکن جنبش مقاومت فلسطین را تضعیف کنند. این جز خیانت به ملت فلسطین و خوش‌خصی به امپریالیسم و صهیونیسم نیست.

فلسطین ودوقطب ارتجاع!؟

در مورد جنایتکاری صهیونیستها همه نیروهای مترقی جهان هم نظرند. در مورد تبهکاری آنها که سرزمین یک ملتی را طلبکارانه و بی‌شرمانه اشغال کرده اند و در پی نسل‌کشی در فلسطین هستند، همه نیروهای مترقی و انساندوست هم نظرند، در مورد همدستی امپریالیستهای آمریکا و اروپا و استرالیا و کانادا و... همه این مدعیان کذاب حمایت از حقوق بشر، در پشتیبانی بی‌برو برگرد از جنایات اسرائیل، همه انسانهای صمیمی و روشن بین اتفاق نظر دارند. در مورد اینکه ملت فلسطین حق دفاع از خود و دفاع از سرزمین ابااء اجدادش را دارد، همه انسانها متفق القولند، در مورد اینکه صهیونیستها باید گور خود را از منطقه بکنند و بروند به کشورهای آن ساکن بوده اند، همه مردم جهان هم نظرند. در مورد اینکه هولوکاست نازی‌ها در مورد یهودیان را نمی‌شود در تاریخ با دست صهیونیستهای نازی تکرار کرد، همه نیروهای مترقی همدانستند. فلسطین سرزمین لیلا خالدهاست و نه سرزمین گلدامیر و آریل شارون‌ها. در مورد اینکه اخبار انحصارات فکری امپریالیستی دروغ پخش می‌کنند و سیاه را سفید جلوه می‌دهند و از تجاوزکار جنایتکار، مظلوم می‌سازند و از مورد ظلم و تعدی، جنایتکار علم می‌کنند، همه نفرت دارند و حالت تهوع نسبت به این مدعیان دروغگوی "آزادی افکار و بیان" در خود احساس می‌کنند. ولی هستند گروه‌هایی در جهان که از آخر امپریالیستها و صهیونیستها نشخوار می‌کنند و دست دراز شده آنها در نهضت‌های استقلال طلبانه و انقلابی اند. این گروه‌ها تئوری‌های صهیونیستی منصور حکمت را بازتاب داده و مبارزه‌ای را که در فلسطین در گرفته است، مبارزه بین "دوقطب ارتجاع جهانی" جا می‌زنند. البته هدف آنها در ماهیت و در عمل حمایت از اسرائیل است. هدف آنها تکفیر جنبش مقاومت مردم فلسطین در مقابل اسرائیل است. هدف آنها حفظ وضع موجود است تا سرزمینهای فلسطینی همانطور که هست در اشغال صهیونیستها باقی بماند. هدف آنها تضعیف حمایت بین‌المللی از جنبش مردم فلسطین است که چه بخواهند و چه نخواهند حماس را نماینده قانونی و منتخب خود می‌دانند. هدف آنها جنگیدن در جبهه جنگ روانی صهیونیستها و امپریالیستها برای خلع سلاح روحی نیروهای مترقی در زیر شعارهای کاذب و ارتجاعی با لفاظی "انقلابی" است. آنها تنها بر ضد اسلام بنیادگرای حماس شمشیر می‌کشند و جنایات اسرائیل و بمباران نوار غزه و گرسنگی دادن به مردم فلسطین و تحریم اقتصادی را تأیید می‌کنند. آنها از حق دفاع صهیونیستها و امنیت آنها دفاع می‌کنند.

وقتی آنها از "دوقطب ارتجاعی" صحبت می‌کنند، منظورشان تنها فلسطینی‌ها هستند. این ایرانی‌های مرتجع که نقابشان در کارزار مسخره امپریالیستی ایران تریبونال افتاد و منابع مالی آنها رو شد و سر شهزاد نیوز از آخور وزارت خارجه هلند در آمد، مردم فلسطین را فرا می‌خوانند که در نوار غزه بر ضد جنایات اسرائیلی‌ها مبارزه نکنند، بلکه برای اینکه "انقلابی" باشند خوب است مسلح شوند و در پارکابی صهیونیستها با "اسلام سیاسی" حماس بجنگند. آنها مردم فلسطین را به جنگ داخلی و برادر کشی دعوت می‌کنند تا خیال صهیونیستها و امپریالیستها راحت شود. البته آنها به این وضوح که ما دستشان را رو می‌کنیم، حرف نمی‌زنند. همه نیروهای ضد انقلاب و همدست صهیونیست و امپریالیست حرفهایشان دو پهلو است، زیرا از مردم می‌ترسند. آنها به مردم فلسطین توصیه می‌کنند، وقتی اسرائیلی‌ها به نسل‌کشی فلسطینی‌ها اقدام کردند، نیروهای "مترقی" در فلسطین باید با اسلحه خود هر دو طرف را "نابود" سازند. جنگ داخلی راه بیان‌اندازند و در نوار غزه سوسیالیسم؟! را مستقر کنند. یک تیر هوایی به صهیونیستها و یک تیر خلاص به حماسی‌ها!! به این می‌گن یکسیاست چپ اندرچیچی به نفع صهیونیسم و امپریالیسم.

توفان شماره ۱۷۳ مرداد ماه ۱۳۹۳
ارگان مرکزی
حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

* در افشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دوجلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

* **مرغان پرکشیده توفان. جاتباختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳**

* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی

* سفری به کره شمالی. از انتشارات حزب کار ایران (توفان) اردیبهشت ۱۳۹۳

* جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین

* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

* ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین

* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی

* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس

* امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین

* توطئه بزرگ کتاب سوم

* توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

<http://www.kargareagah.blogspot.com>

<http://kanonezi.blogspot.com>

<http://rahetoufan67.blogspot.com>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/kerabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توفان در توئیتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=t>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

دست صهیونیستها از فلسطین و منطقه کوتاه باد!